Supreme National Defense University
Strategic Theorizing
https://Theory.sndu.ac.ir E-ISSN: 3041-9972
Vol. 5, No. 2, Issue. 17, Summer 2026 **Received:** 2026/01/11 **Accepted:** 2026/07/09
Research paper

A Sociological Analysis of Violent Altercations in Iran: A Systematic Review with Policy Recommendations

Sattar Parvin
Associate Professor and Faculty Member, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
Email: sparvin1359@atu.ac.ir
Mohammad Ali Haghdin
Ph.D. Student in Social Work, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
Email: haghdin@gmail.com
Eskandar Safari
Assistant Professor and Faculty Member, Faculty of Security, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran
Email: safarssafar498@gmail.com

Abstract
Violent offenses such as physical altercations, which often result in casualties, undermine people's sense of social security. The annual increase in the number of visits to forensic medicine centers due to altercations and violence has raised concerns among the public and government officials. The growing prevalence of such offenses may pose significant challenges to public security and undermine the cultural fabric of society. The primary objective of this study is to provide a sociological analysis of violent altercations in Iran. A systematic review was employed as the research method. The study population comprised all articles indexed in Iranian scholarly research journals. The findings indicate that several factors contribute to the occurrence of aggressive behavior and violent altercations. These factors include background variables (age and gender); psychological and individual factors (emotional control, spiritual intelligence, poor communication skills, trait and state anger, absence of a criminal record, cultural intelligence, and self-control); social factors (identity formation, resource scarcity, tribalism and kinship ties, social control, tribal affiliation, social trust, poverty, migration, population heterogeneity, social changes associated with modernity, social disorganization, and conflicts of interest); and spatial factors (such as location, time, and densely populated areas). Understanding these factors can inform the development of policy recommendations aimed at preventing collective violent altercations in urban, rural, and nomadic communities.

Keywords: Violent Altercations, Systematic Review, Social Structure Theory, Policy Recommendations

سال پنجم، شماره دوم (پیاپی ۱۷)، تابستان ۱۴۰۵، صص. ۱-۳۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲۱ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۸

مقاله پژوهشی

تبیین جامعه‌شناختی نزاع در ایران: یک مرور نظام‌مند (با تأکید بر پیشنهادهای سیاستی)

ستار پروین
دانشیار و عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
Email: sparvin1359@atu.ac.ir

محمدعلی حق دین
دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: haghdin@gmail.com

اسکندر صفری
استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشکده امنیت، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران
Email: safarssafar498@gmail.com

چکیده

جرائمی مانند نزاع که معمولاً با قربانی همراه است، منجر به سلب احساس امنیت اجتماعی می‌شود. افزایش سالانه آمار مراجعه به پزشکی قانونی به‌دلیل نزاع و خشونت، نگرانی‌هایی را برای مردم و مسئولین کشور ایجاد کرده است. رشد فزاینده این‌گونه جرائم می‌تواند امنیت عمومی را با چالش‌هایی روبه‌رو سازد و چهره فرهنگی جامعه را مخدوش سازد. هدف اصلی این مقاله تبیین جامعه‌شناختی نزاع در ایران است. از مرور نظام‌مند به‌عنوان روش پژوهش استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش کلیه مقالاتی است که در نشریات علمی-پژوهشی ایران نمایه شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عواملی مانند متغیرهای زمینه‌ای (سن و جنس)، عوامل روانی و فردی (کنترل هیجان، هوش معنوی، ضعف مهارت‌های ارتباطی، خشم صفت حالت، نبود سوءپیشینه، هوش فرهنگی، خودکنترلی)، عوامل اجتماعی (کسب هویت، کمبود منابع، طایفه‌گرایی و خویشاوندگرایی، کنترل اجتماعی، تعلق ایلی، اعتماد اجتماعی، فقر، مهاجرت، ناهمگونی جمعیت، تغییرات اجتماعی عصر مدرن، بی‌سازمانی اجتماعی، تضاد منافع کسب هویت) و عوامل فضایی (مکان، زمان، بخش‌های متراکم) در بروز رفتارهای پرخاشگرانه نزاع تأثیرگذار بوده‌اند. با شناخت این عوامل، گزاره‌های سیاستی جهت پیشگیری از نزاع‌های دسته‌جمعی در نظام شهری، روستایی و عشایری می‌تواند ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: نزاع، مرور نظام‌مند، تئوری ساختار اجتماعی، پیشنهادهای سیاستی

صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.

مقدمه

نزاع در فرهنگ لغت کمبریج درگیری در فضای عمومی تعریف شده است و به‌عنوان یکی از بارزترین اشکال خشونت جمعی و بین‌فردی، شامل رفتارهای پرخاشگرانه و ستیزه‌جویانه‌ای است که در قالب درگیری‌های فیزیکی، اعم از مسلحانه یا غیرمسلحانه، با استفاده از سلاح گرم یا سرد یا بدون آن و عمدتاً در فضاهای عمومی رخ می‌دهد. در نزاع، درگیری و قصد درگیری توسط حداقل دو نفر در یک فضای عمومی رخ دهد به‌گونه‌ای که منجر به نقض آرامش می‌شود و باعث شود دیگر افراد احساس ناامنی کنند این پدیده صرفاً یک برخورد فیزیکی نیست، بلکه آسیب اجتماعی پیچیده‌ای است که با ایجاد اخلال در روابط اجتماعی، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد و با زمینه‌سازی برای تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. بی‌نظمی زندگی اجتماعی، پراکندگی مسئولیت، تأیید اخلاقی پرخاشگری، پیش‌نیازهای مهم تشدید خشونت و پرخاشگری هستند (فراچک، ۱۹۹۶).

نتایج نزاع می‌تواند طیفی از ضرب‌وجرح سطحی تا قتل را در برگیرد و به‌عنوان یکی از جرائم خشن، امنیت و سلامت اجتماعی را به‌شدت تهدید کند. در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، نزاع [دسته‌جمعی] به معنای شرکت در منازعات دسته‌جمعی در نظر گرفته شده است بدین معنا که حداقل سه نفر و بیشتر باید در آن مشارکت داشته باشند. (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲). نزاع دسته‌جمعی وقتی معنا می‌یابد که تمام افراد مشارکت‌کننده در منازعه هم‌زمان در یک مکان باهم در حال منازعه و درگیری باشند.

از منظر جامعه‌شناختی، هرچند براساس تعبیر دورکیم نمی‌توان جامعه‌ای را عاری از آسیب اجتماعی تصور کرد؛ اما شیوع بالای نزاع نشان‌دهنده اختلال در نظم اخلاقی اجتماعی و ضعف ساختاری در سطوح خرد و کلان جامعه است. وجود چنین آسیب‌هایی خبر از معیوب بودن ساختار جامعه می‌دهد و نتیجه آن، نه‌تنها آسیب دیدن عینی قربانیان مستقیم، بلکه ایجاد ناامنی ذهنی و روانی در میان سایر اعضای جامعه است. نزاع و درگیری ازجمله مسائلی است که علاوه بر ایجاد فضایی آکنده از خشم و نفرت و مکدر کردن روابط انسانی،

امنیت اجتماعی تهدید می‌کند و انسجام جامعه را با مشکل مواجه می‌سازد (عبداللهی و چلبی، ۱۳۸۱ به نقل از زارعی و همکاران، ۱۳۹۷).

در بافت جامعه ایران، نزاع‌های جمعی و بین‌فردی در دهه‌های اخیر به یکی از آسیب‌های جدی تبدیل شده‌اند. آمارها حاکی از رشد نزاع در طی سالیان گذشته است که این موضوع را به مسئله‌ای قابل تأمل تبدیل کرده است. این پدیده حدومرز جغرافیایی مشخصی نمی‌شناسد و در هر دو بافت روستایی و شهری، به‌ویژه در کلان‌شهرها و محلات فرودست شهری مشاهده می‌شود. اشکال آن نیز متنوع است و شامل خشونت‌های خانگی، درگیری‌های خیابانی و نزاع‌های دسته‌جمعی بین گروه‌ها در محلات شهری، اقوام یا عشایر می‌گردد.

براساس مطالعات پیشین، عوامل متعددی در شکل‌گیری و تشدید نزاع نقش دارند. اسمیت و همکاران (۲۰۲۵) احساس نابرابری جمعی را بر نزاع‌های دسته‌جمعی مؤثر نشان داده‌اند. در جوامع سنتی‌تر، عواملی مانند ضعف و گسست نظام خانوادگی و اجتماعی، نبود کنترل‌های مؤثر و نبود یا عدم اجرای قوانین جزایی متقن موجب تشدید آن شده است. در شرایط معاصر، این عوامل گسترده‌تر شده و شامل متغیرهایی از قبیل ساختارهای معیشتی و طبقاتی، میزان حاکمیت قانون و اعتماد به نهادهای حاکمیتی، هویت‌های قومی و عشیره‌ای، تعریف نقش فردی و جمعی، وابستگی به ساختارهای سنتی، ساختار قدرت اجتماعی، فرهنگ، هویت تاریخی و ارزش‌های اعتقادی می‌شود.

تیلور و فریزر (۲۰۲۳) نیز تأثیر عوامل روان‌شناختی را بر شدت نزاع تشریح کرده‌اند. بااین‌حال، یافته‌های موجود پراکنده و نیازمند ترکیب و تحلیل نظام‌مند است. در این راستان پژوهش‌های داخلی در مورد عوامل نزاع بر مواردی مانند میزان تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه (زارعی و همکاران، ۱۳۹۷)، تعصبات طایفه‌ای (طالب و همکاران، ۱۳۹۶)، بی‌سازمانی اجتماعی، فشارهای ساختاری و خرده‌فرهنگ‌های مشوق خشونت (صابری و همکاران، ۱۴۰۴)، عوامل اقلیمی (طاهری و فیروزآبادی، ۱۴۰۳)، نبود تعریف دقیق و روشن از حقوق مالکیت (طالب و درویشی، ۱۳۹۸)، ضعف سازوکار و کنترل خشونت، اختلافات خانوادگی و سطح پایین اعتماد اجتماعی (قاسمی و کمربیگی، ۱۳۹۸)، تراکم جمعیت،

ناهمگونی جمعیت و تراکم منازل مسکونی در محلات شهری (خسروانی، ۱۳۹۹)، فقر و تنوع قومی در محلات شهری (مهدنژاد و همکاران، ۱۳۹۹) تأکید داشته‌اند. به‌طورکلی این پژوهش‌های نشان می‌دهند که زمینه‌ای نزاع در بین جوامع شهری، روستایی و عشایری متفاوت است.

درنتیجه، با توجه به پیامدهای زیان‌بار نزاع برای سلامت روانی–اجتماعی افراد، انسجام جامعه و هزینه‌های سنگین مادی و معنوی آن، شناسایی دقیق و نظام‌مند عوامل تأثیرگذار و ارائه راهبردهای سیاستی مبتنی بر شواهد علمی ضرورتی انکارناپذیر است؛ بنابراین، این پژوهش در پیِ پاسخ به این پرسش‌های اصلی است: ۱. بر پایه پژوهش‌های داخلی منتشرشده در سال‌های اخیر، کدام عوامل در بروز و شیوع پدیده نزاع در ایران تأثیرگذار بوده‌اند؟ ۲. با توجه به عوامل شناسایی‌شده، چه گزاره‌ها و راهکارهای سیاستی را می‌توان برای پیشگیری و کاهش این پدیده پیشنهاد داد؟

پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند ضمن پُرکردن خلأ پژوهش‌های ترکیبی موجود، بستری برای تدوین مداخلات کارآمد در سطوح خرد، میانی و کلان فراهم آورد و گامی در جهت کاهش این آسیب اجتماعی بردارد.

۱. ادبیات نظری پژوهش

مسئله رفتارهای خشن و پرخاشگرانه توسط نظریه‌پردازان حوزه جامعه‌شناسی و سایر علوم اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

براساس نظریه‌های تضاد، دلایلی مانند منابع مورد منازعه و ارزش‌های ناسازگار وجود دارند مبنی بر این‌که طرفین درگیر کشمکش ممکن است اهداف ناسازگار داشته باشند. منابع، زمانی عامل نزاع قرار می‌گیرند که یکی از طرفین خواهان منابعی است که دیگری در اختیار دارد یا زمانی که هر دو طرف متخاصم خواهان منابع اختصاص نایافته یکسانی هستند. این منابع می‌توانند پول، زمین و ... باشند، ولی به‌طورکلی منابع مورد منازعه ثروت، قدرت و منزلت هستند (عابدینی و همکاران،۱۳۹۰). در شاخص ثروت، اصلی‌ترین منبع مورد منازعه

زمین است. در مقوله قدرت، نابرابری قدرت و تسلط یکی بر دیگری و درگیری و کشمکش برای رهایی از این تسلط مطرح است و در مقوله منزلت، کسب شهرت و احترام، عامل کشمکش و منازعه است. بین منزلت و قدرت رابطه نزدیکی وجود دارد؛ به این صورت که فردی که دارای قدرت است معمولاً از احترام بالایی برخوردار است و کسی که از احترام بالایی نیز برخوردار است معمولاً می‌تواند قدرت کسب نماید. براساس نظر مارکس کشمکش‌های اجتماعی وجود دارند؛ چون افرادی هستند که مالک تولید هستند و کسانی نیز وجود دارند که برای صاحبان ابزار تولید کار می‌کنند. بنابراین آن‌ها به‌ناچار در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند زیرا اهداف و منافع این دوگروه ناسازگار است. درنتیجه، مارکس مالکیت خصوصی را ریشه کشمکش‌های اجتماعی می‌دید (بارتوس ور، ۱۳۹۱).

نظریه‌های ساختی-کارکردی (تئوری فشار) است به‌طورکلی، وجود آسیب‌ها و جرائم مختلف و به‌ویژه جرائم خشن را در ناهماهنگی ساختی-کارکردی وجود فشارهای اجتماعی پی‌جویی می‌کنند. در این تئوری‌ها جرم و آسیب اجتماعی اساساً مسئله طبقه پایین جامعه است (Brown1998:262). جرم و آسیب‌های اجتماعی پیامد مستقیم محرومیت و خشم طبقه پایین در نظر گرفته می‌شود، نظریه‌های فشار مبتنی بر این عقیده است که اغلب افراد اهداف و ارزش‌های مشابهی دارند اما توانایی دسترسی به اهداف مشخص به‌وسیله پایگاه اقتصادی-اجتماعی طبقه‌بندی می‌شوند (Siegel 2017). به دیگر عبارت فرصت‌های مسدود شده برای دستیابی به اهداف موفقیت ایجاد فشار و محرومیت می‌کند. ریشه نظریه فشار به نظریات امیل دورکیم و مفهوم کانونی وی (آنومی اجتماعی) بازمی‌گردد. از نظر وی آنومی اجتماعی حالتی از ابهام است (Einstadter et al 2006:153) و جامعه‌ای دچار این وضعیت است که در آن قواعد و هنجارهای اجتماعی شکسته شده‌اند و این جامعه توانایی کنترل نیازها و آرزوهای اعضایش را ندارد (Siegel, 2017) به زعم وی آنومی اجتماعی پیامد تغییرات سریع در ساختار یک جامعه است. رابرت مرتون مفهوم آنومی را از دورکیم وام گرفته است ولی ریشه مسائل اجتماعی را نه در تغییرات ناگهانی بلکه در ساختار اجتماعی می‌داند. وی معتقد است افراد تابع قواعد اجتماعی‌اند، اما زمانی که تحت تأثیر فشار باشند به جرم متوسل می‌شوند، شکاف

میان اهداف وسایل فراهم‌کننده این اهداف، منبع فشار است (Adler et al 2001: 125). به اعتقاد مرتون طبقه پایین جامعه بیشتر مستعد محرومیت و فشارند زیرا فرصت کمتری برای کسب تحرک عمودی دارند، درحالی‌که کسب اهداف موفقیت عمومی را با خود دارند (Smith&Bohm 2007). کلوارد و اوهلین بر مفهوم فرصت تأکید می‌کنند و معتقدند که فقدان فرصت برای رسیدن به اهداف موفقیت به‌طور اساسی به‌وسیله موقعیت فرد در جامعه قشربندی شده تعیین می‌شود. پایگاه اجتماعی فرد بر دسترسی او به راه‌های مشروع و نامشروع موفقیت تأثیرگذار است. به نظر آنان دسترسی به وسایل قانونی در میان گروه‌های اجتماعی، متفاوت است.

مسنر و روزنلفد مفهوم آنومی را در سطح نهادی مطرح می‌کنند و تئوری آنومی نهادی را مطرح می‌کنند. نظریه آنومی نهادی مانند رویکردهای اولیه جامعه‌شناسی بر این موضوع تأکید دارد که جرم تا حدودی نتیجه سازمان اجتماعی یک جامعه مانند خانواده، اقتصاد، آموزش، نظام سیاسی و جهت‌گیری‌های فرهنگی گسترده است (Jacobs2002:34). مفهوم کلیدی این نظریه تعادل نهادی قدرت است. به نظر مسنر و روزنفلد در جامعه‌ای مانند آمریکا، اقتصاد بر دیگر نهادها تسلط دارد. قدرت اقتصادی، نهادهایی–مانند خانواده و مدرسه–را که از جرم جلوگیری می‌کند تضعیف می‌کند؛ بنابراین زمانی جامعه از شرایط آنومیک اقتصادی برخوردار است که در آن اقتصاد همه‌چیز را تحت شعاع قرار دهد و اهداف و ارزش‌های اقتصادی شکل‌دهنده به ارزش‌های نهادی دیگر باشد.

رابرت اگنیو با تاسی از نظریه‌های فشار، نظریه عمومی فشار را در سطح خرد مطرح می‌کند. نظریه عمومی فشار به‌جای تأکید بر محدودیت طبقه پایین اجتماعی و یا فقدان فرصت، بر جنبه‌های روان‌شناسی اجتماعی فشار تأکید دارد (Burfeind&Bartusch2006:496). براساس تئوری GST افراد به این دلیل در جرم و کجروی اجتماعی درگیر می‌شوند که فشارها و استرس‌ها را تجربه می‌کنند، برای مثال آنان نیاز شدیدی به پول دارند یا عقیده دارند که به‌وسیله اعضای خانواده، معلمان، کارفرمایان و دیگران تحت فشار هستند، این افراد ناراحت می‌شوند و مجموعه‌ای احساسات منفی مانند عصبانیت، محرومیت و افسردگی را تجربه

می‌کنند و از طریق جرم بر این فشارها و هیجانات منفی غلبه می‌کنند، جرم ممکن است راهی برای کاهش و یا فرار از فشار باشد (Agnew2009). اگنیو معتقد است که مجرمیت نتیجه مستقیم شرایط اثرگذار منفی مانند عصبانیت، محرومیت و هیجانات منفی است (Siegel,2017). اگنیو منابع چندگانه فشار را شامل موارد زیر در نظر می‌گیرد:

۱. شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت
۲. مواجهه با محرک منفی
۳. فقدان محرک ارزشمند مثبت

پیش‌فرض نظری برگزیده برای این پژوهش این است که فشارهای اجتماعی در سطح کلان و خرد به رفتارهای پرخاشگرانه و خشن در روابط اجتماعی منجر می‌شود. فشار بر مبنای نظریه مرتون به این معناست که هنگامی که تعادل ساختار یک جامعه بر هم بخورد و تعادل میان ابزارهای مشروع و اهداف مقبول از بین برود و یا با چالش مواجه شود در سطح کلان تولید فشار اجتماعی می‌کند و سرخوردگی‌ها و ناکامی‌های ناشی از این وضعیت منجر به تولید رفتارهای خشن، به‌ویژه در طبقه پایین جامعه می‌شود، چراکه در نظریه فشار این طبقه، بیشتر از سایر طبقات در رفتارهای خشن درگیر می‌شوند. از سوی دیگر فشار می‌تواند در سطح خرد منجر به رفتارهای خشن مانند قتل، خودکشی و نزاع شود. به سخن دیگر، روابط منفی با دیگران در محل‌های مانند کار، خیابان، خانواده و ... می‌تواند هیجانات و احساسات منفی را در افراد ایجاد کند. بنا بر نظریه اگنیو همین هیجانات منفی موجب بروز رفتارهای مبتنی بر خشونت می‌شود.

مفهوم محرومیت نسبی توسط جودیت بلاو پیتر بلاو بنیان نهاده شد، این دو مفاهیمی را از نظریه آنومی با الگوی بی‌سازمانی اجتماعی ترکیب کردند. براساس این نظریه، افراد متعلق به طبقات پایین زمانی که شرایط زندگیشان را با افراد مرفه‌تر مقایسه می‌کنند، احساس محرومیت و ناخرسندی می‌کنند. ازآنجایی‌که طبقه اقتصادی و نژادی در این افراد سبب ایجاد بی‌عدالتی و ناخرسندی می‌شود، بنابراین احساس محرومیت می‌کنند. در جامعه‌ای که نابرابری وجود دارد و به‌وسیله ابزارهای قانونی موقعیت‌های پیشرفت افراد گرفته می‌شود، افراد

احساس بی‌اعتمادی به جامعه می‌کنند. ناکامی مستمر که از این دسته از احساسات مربوط به عدم کفایت ناشی می‌گردد سبب ایجاد پرخاشگری و خصومت سرکوب شده می‌گردد و در نهایت سبب جرم و خشونت می‌شود. (حسینی نثار ۱۳۸۳)؛ بنابراین، می‌توان گفت: هرچه ارزش‌های اقتصادی و مادی در یک جامعه گسترش بیشتری یابند و هر قدر امکانات پیشرفت و ارتقای افراد و گروه‌های مرجع (گروه‌های که انسان خود را با آن‌ها مقایسه می‌کند) بیشتر باشد، انتظارات انسان‌ها بالا می‌رود در چنین حالتی اگر فرد احساس کند خود آن امکانات را ندارد، احساس محرومیت نسبی او افزایش می‌یابد همچنین هراندازه کوشش فرد برای دستیابی به یک ارزش بیشتر باشد، اهمیت این ارزش برایش بیشتر می‌شود و هرچه امکان دستیابی به ارزش‌های مورد نظر یا ارتقای اجتماعی افزایش یابد، احساس محرومیت نسبی افزایش می‌یابد (رفیع پور ۱۳۷۸).

نسبی محرومیت نسبی وضعیتی است که در آن فرد از آنچه دارد، راضی نیست؛ دلیل این امر آن است که انتظاراتی که فرد از خود دارد، بیشتر است. همچنین مقایسه‌ای که فرد بین زندگی خود و دیگران می‌کند، بر این احساس می‌افزاید. هالندر معتقد است که این محرومیت زمانی رخ می‌دهد که مردم به چیزی میل کنند که آن را ندارند و خود را مستحق به دست آوردن آن دانند از طرفی به خاطر ناتوانی در تملک آن، خود را مقصر ندانند (هالندر، ۱۳۷۸).

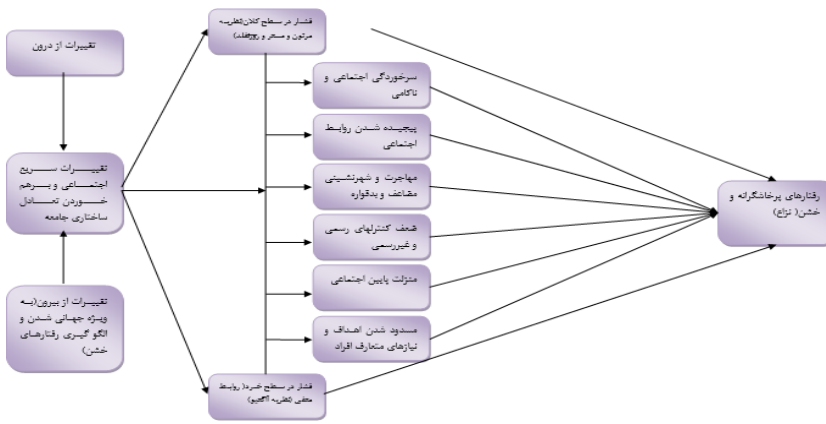

نمودار ۱: دیدگاه نظری پژوهش

طبق چهارچوب نظری فوق، تغییرات سریع اجتماعی و برهم خوردن تعادل ساختاری جامعه که هم از طریق تغییرات بیرونی (به‌ویژه جهانی‌شدن و الگو گیری رفتارهای خشن) و هم از طریق تغییرات درونی ایجاد می‌شوند، منجر به دو نوع فشار در جامعه خواهند شد. فشار در سطح کلان (نظریه مرتون و مسنر و روزنفلد) و فشار در سطح خرد و بروز روابط منفی (نظریه اگنیو). تحت این فشارها، برخی از افراد جامعه دچار سرخوردگی اجتماعی و ناکامی می‌شوند. همچنین مهاجرت و شهرنشینی افزایش پیدا کرده و روابط اجتماعی پیچیده‌تر می‌شوند. در این فرایند بسیاری از افراد منزلت اجتماعی خود را از دست می‌دهند و بسیاری نیز در دستیابی به نیازهای متعارف خود دچار ناکامی می‌شوند. این فشارها احتمال بروز رفتارهای خشن و شکل‌گیری نزاع را افزایش می‌دهند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش مروری انجام شده است. بدین منظور در گام نخست از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و جست‌وجو در پایگاه‌های اینترنتی پایگاه‌های اسناد علمی داخل کشور نظیر علم‌نت، ایران‌داک، جهاد دانشگاهی، نورمگز، پرتال جامع علوم انسانی و سیویلیکا، کلیه پژوهش‌هایی که در عنوان و یا کلیدواژه‌های خود دارای عبارت نزاع بوده‌اند و در نشریات مرتبط با علوم اجتماعی به چاپ رسیده‌اند از پایگاه‌های اسناد علمی داخلی استخراج شده است که تعداد آن‌ها پس از حذف موارد تکراری ۷۳ مقاله بوده است. با انجام مرحله اول غربالگری و مطالعه چکیده مقالات، تعداد مقالات باقی‌مانده به ۵۱ مقاله رسیده است. پس از مطالعه این ۵۱ مقاله و مرحله دوم غربالگری تعداد ۲۵ مقاله وارد فرایند اصلی پژوهش شده‌اند. ملاک مرحله دوم غربالگری عدم دسترسی به محتوای کامل مقاله، غیرمرتبط بودن و چاپ مقاله در بازۀ زمانی غیر از ۱۵ سال اخیر بوده است.

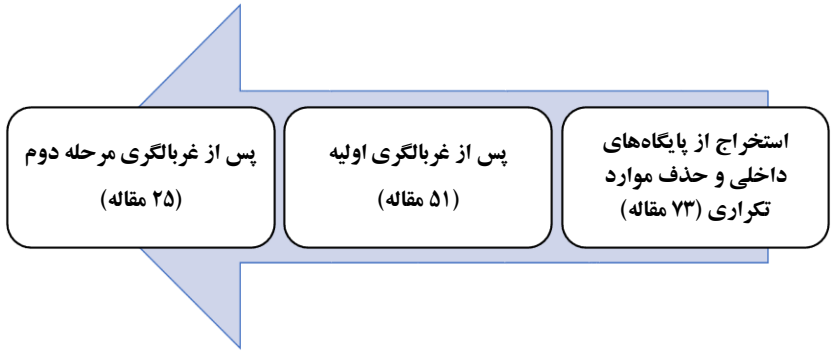

نمودار ۲: فرایند استخراج و انتخاب مقالات در فرایند پژوهش

۳. یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در روش پژوهش توضیح داده شد، در این پژوهش ۲۵ مقاله داخلی در زمینهٔ نزاع که در پانزده سال اخیر منتشر شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است. تمامی این ۲۵ مقاله از نوع علمی-پژوهشی بوده است و در بین آن‌ها مقالات کنفرانسی گزارشات پژوهشی و ... وجود نداشته است.

مقالات استفاده شده در این پژوهش در جدول (۱)، ملاحظه می‌شوند

جدول ۱: مقالات وارد شده به فرایند پژوهش

نویسندگان	سال	هدف	جامعه آماری	روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها	نتایج
نایبی و جسور خواجه	۱۳۸۸	ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی	کویچ و اشفرد، توابع بخش خواجه در استان آذربایجان شرقی	مورد پژوهی	گروه‌بندی اجتماعی، منابع محدود قدرت و گسستگی اجتماعی
ربانی و همکاران	۱۳۸۸	عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر نزاع جمعی	سه شهرستان ایلام، شیروان، چرداول (حجم نمونه: ۳۸۴ نفر)	پیمایش - آلفای کرونباخ پیش‌آزمون	پرخاشگری و قوم‌گرایی (افزاینده) و کنترل اجتماعی (کاهنده)

نویسندگان	سال	هدف	جامعه آماری	روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها	نتایج
کلواری و بحرینی	۱۳۸۹	رابطه عوامل فرهنگی اجتماعی و نزاع جمعی	شهر لردگان - کلیه مردان و زنان بالای ۱۵ سال	پیمایش، آزمون‌های آماری	پرخاشگری، قوم‌نگاری، محرومیت نسبی، پایگاه اجتماعی اقتصادی (رابطه مستقیم)، تحصیلات، کنترل اجتماعی، انسجام اجتماعی (رابطه معکوس)
کلانتری و همکاران	۱۳۸۹	تحلیل فضایی بزهکاری شهری (شرارت و نزاع)	شهر زنجان	تحلیلی تطبیقی - روش تخمین تراکم کرنل	تراکم شهری، کمبود امکانات شهری، تنوع جمعیت، عدم تناسب معابر
میرفردی و همکاران	۱۳۸۹	عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع جمعی در مردان	شهرستان بویراحمد	پیمایش، آزمون‌های آماری	خویشاوندگرایی، پایگاه اجتماعی اقتصادی، سن
حسین‌زاده و همکاران	۱۳۹۰	مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع‌های دسته‌جمعی	افراد بالای ۱۵ سال اهواز، حجم نمونه ۳۸۴ نفر)	پیمایش و آزمون‌های آماری مختلف	عوامل مؤثر: تعلق قبیله‌ای و خانوادگی، احساس آنومی، احساس محرومیت نسبی
رضایی و همکاران	۱۳۹۱	بررسی رابطه عناصر اقلیمی و میزان نزاع	شهرستان‌های رشت و انزلی	آماری	دما دارای بیشترین هم‌بستگی و میزان بارش کم‌ترین هم‌بستگی را با میزان نزاع داشته‌اند

نویسندگان	سال	هدف	جامعه آماری	روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها	نتایج
شریعتی و همکاران	۱۳۹۱	عوامل مؤثر بر تمایل بالقوه نسبت به نزاع جمعی	مردان بالای ۱۸ سال شهرستان خدابنده	پیمایش - رگرسیون و تحلیل مسیر	اختلافات ملکی و خانوادگی، عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی و عوامل فرهنگی تاریخی
نیکدل و پیراسته مطلق	۱۳۹۴	رابطه بین شیوه‌های کنترل خشم و نزاع جمعی	استان کهکیلویه و بویراحمد، افراد ۱۵ تا ۴۰ سال - حجم نمونه: ۴۰۰ نفر	پیمایش، پرسش‌نامه استاندارد - آزمون‌های پیرسون و رگرسیون	یادگیری شیوه‌های کنترل خشم
افشانی و همکاران	۱۳۹۴	بررسی پدیده نزاع	شهر یزد، شهروندان ۱۸ تا ۶۰ سال، نمونه: ۳۲۴ نفر	پیمایش، آزمون‌های آماری	سن، تجربه عینی نزاع، رضایت از زندگی، دسترسی به امکانات رفاهی
بخارایی و همکاران	۱۳۹۵	عوامل اجتماعی مؤثر بر نزاع خیابانی در شهر بندرعباس	شهر بندرعباس، مردان ۱۵ تا ۵۰ ساله (۳۸۳ نمونه)	پیمایش - نمونه‌گیری خوشه‌ای - SPSS	انسجام اجتماعی، تعاملات مثبت، متغیرهای زمینه‌ای (سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، درآمد)
قاسمی‌نژاد و همکاران	۱۳۹۶	تحلیل شکل‌گیری نزاع‌های جمعی	شهرستان سلسله، مناطق روستایی	کیفی، مصاحبه عمیق با ۲۹ نفر	طایفه‌گرایی، بیکاری، نگرش منفی به نهادهای انتظامی و قضایی،
عشایری و همکاران	۱۳۹۶	عوامل مؤثر بر نزاع جمعی در فضای شهری	مشکین‌شهر	پیمایش، آزمون پارامتریک پیرسون	اعتقادات مذهبی، اعتماد اجتماعی، قانون‌گرایی، حاشیه‌نشینی، بیکاری، بی‌سازمانی اجتماعی، طایفه‌گرایی

نویسندگان	سال	هدف	جامعه آماری	روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها	نتایج
صداقت زادگان و همکاران	۱۳۹۶	عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر نزاع در جوانان	سرپل‌ذهاب، ۳۸۵ نفر جوانان ۱۵ تا ۲۵ سال	پیمایش، هم‌بستگی پیرسون و تحلیل واریانس	احساس آنومی اجتماعی، هم‌نشینی با بزرگ‌سالان بزهکار، بدرفتاری و سخت‌گیری والدین
احمدی و ادهمی	۱۳۹۷	مطالعه جامعه شناخت نزاع‌های خیابانی	۱۵ نفر از افراد درگیر در نزاع‌های خیابانی در شهر سنندج به روش گلوله برفی	کیفی - مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و تحلیل استراوس و کوربین	عوامل علی: ضعف مهارت‌های ارتباطی، کاهش آستانه تحمل و اختلافات مالی خانوادگی عوامل زمینه‌ای: محل سکونت، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و تحصیلات فرد والدین و مؤلفه‌های مهیاکننده موقعیت نزاع
افشانی و منجرمونی	۱۳۹۷	عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع دسته‌جمعی	افراد ۱۸ تا ۶۰ سال لردگان (حجم نمونه: ۳۸۴)	پیمایش - آزمون‌های تی، پیرسون، رگرسیون و ...	پرخاشگری، اختلافات ملکی، خویشاوندگرایی، داشتن تجربه عینی
پاشازاده و همکاران	۱۳۹۷	تحلیل زمانی و فضایی وقوع نزاع	زندان اردبیل، تمام شماری ۱۱۱ نفر	پیمایش و آزمون‌های آماری از طریق SPSS	بیشتر نزاع‌ها در بافت حاشیه‌ای و فرسوده و دارای تراکم بالا و نزدیک محل سکونت افراد رخ داده است

نویسندگان	سال	هدف	جامعه آماری	روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها	نتایج
فرهمند و نجفی	۱۳۹۷	عوامل مؤثر بر نازعات بین قومی لک و لر	شهر خرم‌آباد، مردان ۲۰ تا ۵۵ ساله، نمونه: ۳۸۳ نفر	پیمایش، آزمون‌های آماری	سن، قومیت، فرهنگ شهروندی، قانون‌گریزی، محرومیت نسبی، اختلافات خانوادگی، انسجام اجتماعی
جلیلی و حیدری	۱۳۹۷	مقایسه زیرمقیاس های هوش معنوی و خودکنترلی در مجرمین نزاع دسته‌جمعی و افراد غیر مجرم	۱۰۰ نفر از زندان مرکزی اصفهان	پیمایش (پرسش‌نامه‌های استاندارد و آزمون تحلیل واریانس)	مجرمین از هوش معنوی و خودکنترلی پایین‌تری نسبت به افراد غیرمجرم بهره‌مند بوده‌اند.
قاسمی و همکاران	۱۳۹۸	رابطه سرمایهٔ اجتماعی و نزاع فردی	شهر ایلام، جوانان، ۲۹۳ نفر	پیمایش، آزمون‌های آماری	سرمایهٔ اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی (معکوس)
زارعی و همکاران	۱۳۹۹	عوامل مؤثر بر نزاع و خشونت بین‌فردی جوانان	شهر همدان، جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله (۳۸۲ نفر)	پیمایش - خوشه‌ای چندمرحله‌ای	تعامل با خانواده، تعامل با دوستان، تعهد به ارزش‌های جامعه، میزان درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره
حاجی‌زاده و همکاران	۱۳۹۹	نقش هوش فرهنگی در پیش‌بینی نیازهای اساسی	اردبیل، افراد شرکت‌کننده در نزاع گروهی در سال ۱۳۹۶ - حجم نمونه: ۱۲۳ نفر	پیمایش، آزمون‌های آماری	هوش فرهنگی (دانش شناخت، توانایی پیش‌بینی شایستگی و ...)

نویسندگان	سال	هدف	جامعه آماری	روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها	نتایج
ویسی و عبدی	۱۴۰۰	عوامل مؤثر بر نزاع پس از تصادفات رانندگی	رانندگان مرد شهر کرمانشاه	پیمایش	متغیرهای مالی و بیمه‌ای، وضعیت روانی و شخصیتی، عوامل قانونی و آموزشی
کیانی و فاضلی	۱۴۰۰	عوامل مؤثر بر نزاع جمعی	شهر اهواز - پرونده‌های نزاع دسته‌جمعی	تحلیل محتوا	قومیت، تحصیلات، جنس
صفری کاکرودی و عدالتی	۱۴۰۰	تأثیر عدالت ترمیمی پلیس بر کاهش پرونده‌های نزاع	اردبیل، اساتید و متخصصان، ۶۸ نفر	پیمایش، آزمون‌های آماری	حلقه‌های نشست محلی، میانجی‌گری، شرمسازی بازاجتماعی کننده، جلسات ملاقات بزهکار و بزه‌دیده.

۲۵ مقاله انتخاب شده مورد بررسی قرار گرفت و به‌منظور شناسایی مفاهیم اصلی، مقوله‌ها و ابعاد کلی پژوهش‌ها در گام نخست به‌دقت مورد بررسی و مقوله‌های اصلی و فرعی آن استخراج شد.

با دسته‌بندی مقالات مشخص شد که شش دسته کلی از عوامل را می‌توان بر وقوع نزاع مؤثر دانست؛ این شش عامل عبارت‌اند از:

- عوامل زمینه‌ای (سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل و ...)؛
- عوامل زمانی و مکانی (فصل، نزدیکی به محل سکونت، مناطق حاشیه‌ای و ...)؛
- عوامل فردی (وضعیت روانی، هوش فرهنگی، توانایی شناختی، مشکلات شخصی و ...)؛
- عوامل خانوادگی (قانون‌گریزی در خانواده، بزرگ‌سالان بزهکار، تربیت نامناسب، بدرفتاری والدین، تجربه خشونت و ...)؛

- ❖ عوامل تاریخی و فرهنگی (طایفه‌گرایی، اعتقادات مذهبی، فرهنگ عمومی احترام به قانون و تعهد به ارزش‌های جامعه)؛
- ❖ و عوامل اجتماعی (میزان حمایت اجتماعی، محرومیت نسبی، اعتماد و انسجام اجتماعی، احساس آنومی، ساختار اجتماعی و ...).

جدول ۲: ابعاد و مقوله‌های استخراج شده از مقالات

عوامل زمینه‌ای	سن: در سهم کمتری از پژوهش‌ها بین متغیر سن و گرایش به نزاع (عموماً نزاع دسته‌جمعی) ارتباط مشاهده شده است.
	جنسیت: طبق آمار پزشکی قانونی و پرونده‌های ثبتی، میزان نزاع در مردان بیشتر از زنان بوده است.
	پایگاه اجتماعی اقتصادی: در بیشتر پژوهش‌ها ارتباط معناداری با گرایش به نزاع دارد و در تعداد اندکی نیز ارتباط معناداری مشاهده نشده است.
	تحصیلات: افراد با تحصیلات بالاتر گرایش کمتری به نزاع دارند.
	وضعیت تأهل: در نزاع جمعی فاقد ارتباط معنادار بوده است؛ اما در نزاع فردی، در برخی پژوهش‌ها بین افراد متأهل و مجرد در گرایش به نزاع تفاوت مشاهده شده است.
عوامل زمانی و مکانی	گرمای هوا: بیشترین آمار مربوط به ماه‌های خرداد الی و شهریور بوده است (گرما و مراجعه گردشگر)
	بیشتر نزاع‌ها در بافت حاشیه‌ای رخ داده است.
	بافت فرسوده داخل شهرها نیز دارای تعداد نزاع بیشتری بوده است.
	تراکم بالای جمعیت: هم در بافت شهری و هم در بافت روستایی به‌دلیل، تضاد منافع و همچنین تمایل به شهرت موجب افزایش آمار نزاع شده است.
	نزدیکی به محل سکونت: اکثر نزاع‌ها در محل‌های نزدیک به محل سکونت یکی از طرفین رخ داده است.
	کمبود امکانات شهری: از طریق محدود شدن منابع و عدم اعتماد به نهادها موجب افزایش نزاع شده است
	تنوع جمعیت در ابعاد مختلف موجب افزایش نزاع شده است.
	عدم تناسب معابر حجم و نیازهای جمعیت موجب افزایش نزاع شده است.
عوامل فردی	وضعیت روانی (اضطراب، پرخاشگری و ...) منجر به افزایش میزان نزاع شده است.
	توانایی شناختی و پیش‌بینی منجر به کاهش میزان نزاع شده است.
	مشکلات شخصی منجر به افزایش میزان نزاع شده است.
	علاقه به شهرت و احترام (در عین محرومیت) منجر به افزایش میزان نزاع شده است.

عوامل خانوادگی	اختلافات خانوادگی منجر به افزایش میزان نزاع شده است.
	بدرفتاری و سخت‌گیری والدین منجر به افزایش میزان نزاع شده است.
	تجربه خشونت در خانواده منجر به افزایش میزان نزاع شده است.
	قانون‌گریزی در خانواده و نگرش منفی به نهادهای انتظامی و قضایی
	هم‌نشینی با بزرگ‌سالان بزهکار منجر به افزایش میزان نزاع شده است.
	عدم یادگیری شیوه‌های کنترل خشم منجر به افزایش میزان نزاع شده است.
	خویشاوندگرایی منجر به افزایش میزان نزاع شده است.
عوامل تاریخی و فرهنگی	طایفه‌گرایی و تعلق قومی و قبیله‌ای منجر به افزایش میزان نزاع شده است.
	تعهد به ارزش‌های جامعه منجر به کاهش میزان نزاع شده است.
	اعتقادات مذهبی منجر به کاهش میزان نزاع شده است.
	فرهنگ شهروندی منجر به کاهش میزان نزاع شده است.
	قانون‌گرایی منجر به کاهش میزان نزاع شده است.
عوامل اجتماعی	سرمایهٔ اجتماعی (مشارکت، انسجام و اعتماد اجتماعی)
	حمایت اجتماعی (رسمی و غیررسمی) منجر به کاهش میزان نزاع شده است.
	گسستگی اجتماعی منجر به افزایش میزان نزاع شده است.
	بیکاری منجر به افزایش میزان نزاع شده است.
	اعتماد اجتماعی منجر به کاهش میزان نزاع شده است.
	بی‌سازمانی اجتماعی منجر به افزایش میزان نزاع شده است.
	انسجام اجتماعی منجر به کاهش میزان نزاع شده است.
	میزان درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره منجر به کاهش میزان نزاع شده است.
	ساختار اجتماعی نامناسب محله شامل دوقطبی یا چندقطبی شدن براساس قومیت یا خرده‌فرهنگ
	محرومیت نسبی منجر به افزایش میزان نزاع شده است.
	احساس آنومی اجتماعی منجر به افزایش میزان نزاع شده است.

منابع محدود و نزاع بر سر آن یکی از مقوله‌های مهم نزاع تعیین شده است. منابع، زمانی مورد منازعه‌اند که یکی از طرفین خواهان منابعی است که دیگری در اختیار دارد یا زمانی که هر دو طرف متخاصم خواهان منابع اختصاص نیافته یکسانی هستند. این منابع می‌توانند پول، زمین، فرزندان، خیانت و سیاست باشند، ولی در کل می‌توان منابع مورد منازعه را در سه مقوله گنجاند: ثروت، قدرت و منزلت. در مقوله ثروت، زمین اصلی‌ترین منبع مورد منازعه

به شمار می‌آید. در مقوله قدرت، نابرابری قدرت و استیلای یکی بر دیگری و کشمکش برای رهایی از این استیلا مطرح است و در مقولهٔ منزلت، آنچه کشمکش و منازعه را به دنبال خود دارد چیزی نیست جز کسب شهرت و احترام. منزلت پیوند تنگاتنگی با قدرت دارد؛ کسی که دارای قدرت است اغلب از احترام بالایی برخوردار است و کسی که از احترام بالایی برخوردار است اغلب می‌تواند کسب قدرت کند (شریعتی، ۱۳۹۱).

وابستگی به یک شیء و هراس ناشی از دست دادن آن همواره افراد را به درپیش‌گرفتن رفتار خصمانه نسبت به رقیب و افراد دیگر سوق می‌دهد .زمین در طول تاریخ، ممر حیات و کارکردی تولیدی برای جوامع روستایی داشته است. در عصر حاضر و با توجه به صنعتی شدن جوامع و پس از یک دوره ناشی از کوچ افراد به شهرها و بازگشت و رجوع دوباره شهرنشینان به روستاها جهت ایجاد گذران بی‌دغدغه زندگی فارغ از مسائل شهری، زمین‌های روستاها کارکردی مالی نیز پیدا کرده است. ازهمین‌رو افراد سعی می‌کنند هرچه بیشتر اراضی خود را توسعه دهند و با توجه به نبود اسناد معتبر و رسمی، گاه این عامل منشأ اختلافات و نزاع‌ها قرار می‌گیرد.

یکی از موارد مهم به‌خصوص در مورد نزاع دسته‌جمعی اختلاف ملکی بوده است. ازآنجایی‌که زمین، جزئی از زندگی، هویت، حیثیت و هستی افراد محسوب می‌شود و یکی از منابع محدود، ولی با ارزش به شمار می‌آید که افراد به‌طور نابرابر به آن دسترسی دارند، افراد با توجه به حس فطری زیاده‌خواهی که دارند؛ تلاش می‌کنند که سهم بیشتری از آن را به دست بیاورند به همین دلیل مرزهای تفکیک‌کننده اراضی که به‌طور صحیح و قانونی مشخص نشده‌اند را تغییر می‌دهند؛ و ازآنجاکه اراضی ملکی برای افراد همچون ناموس آن‌ها محسوب می‌شود هرگونه تغییر و اختلال در مرزها، توهین و دست‌درازی به ناموس آن‌ها تلقی می‌شود که این امر منجر به درگیری و حتی نزاع‌های دسته‌جمعی می‌شود. از سویی دیگر، اراضی ملکی چون کارکرد تولیدی دارند و منبع درآمد و ثروت هستند و ثروت به‌همراه خود، قدرت و منزلت اجتماعی برای دارنده آن ایجاد می‌کند کوچک‌ترین اختلال در مرزهای املاک و ارزش زمین نیز منجر به درگیری می‌شود.

همچنین قومیت‌گرایی و انواع مختلف آن در پژوهش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. از حیث نظری نیز در نظریه «خاستگاه‌گرایی قومی» فرضیه‌ها راجع به ویژگی‌های قومیت‌گرایی و راجع به طبیعت انسان‌ها مطرح می‌شود. این نظریه بر این ادعاست که خود قومیت‌گرایی علت خشونت‌های قومی است و بنابراین طوایفی که ناهمگون‌ترند، احتمال بیشتری دارد که رفتارهای خشونت‌آمیز داشته باشند (اسمیت و رابرت، ۲۰۰۷).

کاهش باور عمومی نسبت به مجریان برقراری و حفظ امنیت نیز عامل مؤثری در گرایش بیشتر افراد به نزاع بوده است. کاهش باور عمومی با ایجاد تصور ذهنی منفی در افراد جامعه به‌عنوان عامل احساس ناامنی، مطرح می‌گردد به‌گونه‌ای که مردم اقدامات مثبت در جهت برقراری و حفظ نظم را باور نمی‌کنند و این خود، زمینه‌ساز بروز یک بیماری فرهنگی در جامعه می‌شود (عربی، ۱۳۸۴).

مولن (۲۰۰۴) نیز نشان داده است که عملکرد موفقیت‌آمیز پلیس در مقابله با کج‌رَوی‌ها و آسیب‌های اجتماعی، موجب افزایش احساس ایمنی شهروندان و این امر نیز به نوبهٔ خود، موجب بهبود نگرش‌های آنان نسبت به پلیس می‌شود و نگرش مطلوب نیز بر منزلت اجتماعی پلیس می‌افزاید. پلیس برخوردار از منزلت اجتماعی نیز می‌کوشد بیش از پیش بر تراز عملکرد اجتماعی بیفزاید تا مانع از کاهش شأن و مقام و جایگاه اجتماعی خویش شود (الیاسی، ۱۳۸۶). کارکرد صحیح، عادلانه و به‌موقع نهادهای متولی امور قضا و مراکز انتظامی در اعتماد مردم به مسیر حل مسائل فی‌مابین در چهارچوب قانون را در پی دارد و این باعث ایجاد روح هم‌بستگی در جوامع روستایی می‌شود و باعث می‌شود تا افراد مطالبات خود را در قالب قوانین و از طریق مراجع قانونی آن پیگیری کنند (شریعتی، ۱۳۹۱). والدین می‌توانند از طریق رفتارهای خود و حمایتی که از فرزندان خود به عمل می‌آورند، از نابهنجاری‌های رفتاری فرزندانشان جلوگیری به عمل آورند؛ زیرا تحقیقات نیز ثابت کرده است که بین کنترل والدین و مشارکت فرزندان در ارتکاب اعمال نابهنجار رابطه معکوسی وجود دارد؛ یعنی هرچه قدر کنترل عالمانه والدین روی فرزندانشان بیشتر باشد، به همان اندازه از میزان رفتارهای نابهنجار آنان کاسته می‌شود عکس این امر نیز صادق است؛ یعنی اگر والدین خود

به اعمال نابهنجار اقدام نمایند، در این صورت، ارتکاب اعمال نابهنجار از سوی فرزندان آن‌ها گریزناپذیر خواهد بود همچنین پسران کجرو دارای والدینی هستند که سابقه ارتکاب به اعمال خلاف هنجارهای جامعه داشته‌اند؛ بنابراین، هم‌سویی با ارزش‌های جامعه، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، وفاداری به ارزش‌های جامعه و ... ازجمله مواردی بودند که در تئوری هیرشی برجسته بودند. یعنی از نظر هیرشی، کنترل اجتماعی از سوی خانواده و جامعه می‌تواند اثر کاهنده‌ای بر بروز رفتارهای ناهنجار ازجمله شرکت در نزاع‌های دسته‌جمعی داشته باشد (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰).

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

میزان نزاع در مناطق مختلف کشور متفاوت است و با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی این مناطق و سطح توسعه‌یافتگی، این میزان از اختلاف نسبت زیادی برخوردار است. توجه به این تفاوت، یکی از موضوعات قابل تأمل است که بایستی مورد توجه محققان و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اجتماعی کشور قرار گیرد. جرائم خشن بدون شک تأثیرات مخربی بر پیکره جامعه دارد و مناسبات و روابط انسانی و اجتماعی را دچار چالش‌های جدی می‌کند.

درمجموع مرور ادبیات و پیشینهٔ پژوهش در حوزه نزاع در داخل کشور که حاصل از ۲۵ مقاله منتشر شده در ۱۵ سال اخیر حاکی از آن است که همه این مقالات از نوع علمی پژوهشی بوده و مقاله کنفرانسی در میان آن‌ها وجود نداشته است. همچنین در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ بیشترین تعداد مقاله به چاپ رسیده است و سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ دارای کم‌ترین تعداد مقاله بوده‌اند و هیچ مقاله‌ای در این دو سال وارد فرایند نهایی پژوهش نشده است.

به‌طورکلی می‌توان مدل ذیل را برای تبیین وقوع نزاع و درگیری بر طبق پژوهش‌های داخلی ترسیم نمود.

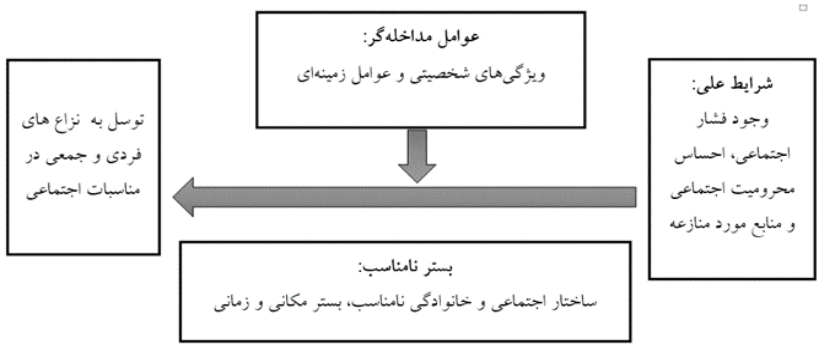

نمودار ۳: مدل تبیینی نزاع (مستخرج از پژوهش‌های داخلی)

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادهای سیاستی ذیل به‌منظور پیشگیری و جلوگیری از افزایش آمار نزاع در کشور پیشنهاد می‌شود:

- ✓ شکل و نوع جامعه‌پذیری اولیه افراد در خانواده‌ها پی‌ریزی می‌گردد؛ بنابراین آموزش خانواده‌ها می‌تواند وجود ناهنجارهای اجتماعی اعم از نزاع را به حداقل برساند.
- ✓ جهت کاهش و کنترل پرخاشگری و بالا بردن قدرت تاب‌آوری افراد در شرایط تحریک‌کننده، کلاس‌های آموزشی کنترل خشم و قدرت تاب‌آوری در محیط‌های اجتماعی متفاوت و برای اقشار مختلف جامعه برگزار گردد.
- ✓ با آموزش ارزش‌های اخلاقی و معنوی و جایگزین کردن آن با تعصبات قومی و نژادی، انسجام اجتماعی درون‌گروهی به انسجام بین‌گروهی گسترش پیدا کند.
- ✓ برنامه‌ریزی صحیح و مستمر در راستای تفکیک اراضی و مرزبندی ثابت زمین‌ها و ثبت آن‌ها در ثبت اسناد جهت جلوگیری از تعرض به اراضی یکدیگر انجام شود.
- ✓ فعال کردن واحدهای مددکاری اجتماعی کلانتری‌ها
- ✓ مطلع کردن کلانتری‌ها و مسئولان قضایی نسبت به موضوع‌های نزاع برانگیز در حوزه استحفاظی

- ✓ برخورد عادلانه و بدون سوگیری نیروهای قضایی و انتظامی با طرفین نزاع و درگیر و پرهیز از مواضع اتهام برانگیز و حفظ بی‌طرفی نسبت به طرفین درگیر
- ✓ تأکید برنامه‌سازان صداوسیما بر مشترکات اقوام
- ✓ تقویت فرهنگ همکاری و دوستی از طریق تبلیغات و برنامه‌های آموزشی مدارس
- ✓ ایجاد وحدت هویتی در قالب نام ایران برای نسل جوان
- ✓ تلاش در جهت کاهش احساس محرومیت نسبی از طریق توزیع عادلانه امکانات
- ✓ حمایت اجتماعی از مناطق حاشیه‌ای بر مبنای فرایندهای توسعه‌ای و کاهش احساس محرومیت
- ✓ تدوین برنامه‌هایی جهت شناسایی و آموزش افراد با خودکنترلی پایین در نهادهایی مانند آموزش‌وپرورش و زندان‌ها
- ✓ ملزم کردن مجرمان نزاع به گذراندن دوره‌های آموزشی (با توجه به تأثیر تجربه نزاع بر تکرار آن)

فهرست منابع

احمدی، یعقوب؛ ادهمی، جلال (۱۳۹۷). مطالعه جامعه‌شناختی نزاع‌های خیابانی (بررسی افراد درگیر نزاع در شهر سنندج). مجله مطالعات اجتماعی ایران، دورهٔ دوازدهم، شماره ۳.

افشانی، سیدعلیرضا؛ نوائی، سعید، دلبازی اصل، مجتبی (۱۳۹۴). بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)، ۹۴-۷۹.

افشانی، سیدعلیرضا؛ کریمی منجرمویی، یزدان (۱۳۹۷). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهر لردگان. انتظام اجتماعی، ۱۰(۱)، ۴۹-۷۰.

بارتوس، اتومارجی ور، پائول (۱۳۹۱). کاربرد نظریه کشمکش. ترجمه علی کاظمی، تهران: زیتون سبز.

جلیلی، بهیرا؛ حیدری، مسعود (۱۳۹۷). مقایسه زیرمقیاس‌های هوش معنوی و خودکنترلی در مجرمین نزاع دسته‌جمعی و افراد غیرمجرم مطالعه موردی مجرمین نزاع دسته‌جمعی زندان مرکزی اصفهان، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی سال نوزدهم، شمارهٔ ۲.

حاجی زاده، زهرا؛ تکلوی، سمیه؛ جعفری، علی (۱۳۹۹). نقش هوش فرهنگی در پیش‌بینی نیازهای اساسی روان‌شناختی افراد شرکت‌کننده در نزاع دسته‌جمعی در شهر اردبیل. مدیریت فرهنگی، ۱۳(۴۸)، ۷۰-۵۹

حسین زاده، علی حسین؛ نواح، عبدالرضا؛ عنبری، علی (۱۳۹۰). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی (مورد مطالعه شهر اهواز). دانش انتظامی.

خسروانی، عباس (۱۳۹۹) تبیین بوم‌شناختی اجتماعی نزاع در مناطق حاشیه‌نشین شهر اراک. رهیافت پیشگیری از جرم، دوره سوم، شماره ۱

ربانی، رسول؛ عباس زاده، محمد؛ نظری، جواد (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی شهرستان‌های منتخب استان ایلام). انتظام اجتماعی شماره ۳.

رضایی کلواری، نوراله؛ بحرینی، مجید (۱۳۸۹). مطالعه رابطه عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاع‌های دسته‌جمعی، قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان. مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۶۲-۱۳۷

رضایی، پرویز؛ دل آور، منصوره؛ حمیدی مدنی، نرجس (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین تغییر عناصر اقلیمی و میزان جرم و جنایت مطالعه موردی: شهرستان‌های رشت و بندر انزلی. فصلنامه جغرافیای طبیعی، سال پنجم، شماره ۱۶.

رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷). آناتومی جامعه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، تهران.

زارعی و همکاران (۱۳۹۹). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نزاع و خشونت بین‌فردی جوانان با تأکید بر امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان ۳۰-۱۸ ساله شهر همدان). پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، صص ۱۵۲-۱۲۹.

شریعتی، مسعود؛ مهاجری، محمدکاظم؛ ملکی، ابوالفضل (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده. انتظام اجتماعی، ۴(۲).

صداقت زادگان، شهناز؛ زاهدی، محمدجواد؛ بهزادی فر، بهروز (۱۳۹۶). عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با نزاع و درگیری جوانان در سرپل ذهاب (با تأکید بر خانواده). پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، ۵(۱)، ۲۰-۳۸.

طالب، مهدی؛ درویشی، زهرا (۱۳۹۸) ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی بین چند نسل (مورد مطالعه: جامعه روستایی امامزاده عبدالله از توابع شهرستان هندیجان-استان خوزستان)، توسعه محلی، دوره ۱۱، شماره ۲

عابدینی، صمد؛ ابراهیمی، جعفر؛ قلیزاده، پروین (۱۳۹۰). فراتحلیل تحقیقات انجام گرفته در زمینهٔ درگیری‌های دسته‌جمعی. مطالعات جامعه‌شناسی، شماره ۱۲.

عربی، فرانک (۱۳۸۴). بررسی امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان ۸ شهر. مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد ۳، سال پنجم، شماره ۲۳.

فرهمند، مهناز؛ نجفی، کبری (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر منازعات بین قومی لک و لر در شهر خرم‌آباد. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)، ۶۴-۴۳.

قاسمی نژاد، ابوذر؛ حسنوند، باقر؛ قلی زاده، حامد (۱۳۹۶). تحلیل شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی در مناطق روستایی شهرستان سلسله. پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی، ۳۰-۱.

قاسمی، یارمحمد؛ کمربیگی، خلیل (۱۳۹۶). بازسازی معنایی نزاع بین‌فردی در میان محکومان نزاع. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۱(۲).

قاسمی، یارمحمد؛ صداقت زادگان، شهناز؛ ملکشاهی، مالک؛ پنجستونی، بهرام (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین سرمایهٔ اجتماعی و نزاع فردی در بین جوانان شهر ایلام. مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۰(۵۹).

کلانتری، محسن؛ قزلباش، سمیه؛ جباری، کاظم (۱۳۸۸). تحلیل فضایی بزهکاری شهری با استفاده از مدل تخمین تراکم کرنل مورد مطالعه: جرائم شرارت، نزاع و درگیری در شهر زنجان. پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، ۲(۳).

کیانی، مژده؛ فاضلی، محمد (۱۴۰۰). بازتولید نزاع جمعی؛ تحلیل محتوای جامعه‌شناختی پرونده‌های نزاع دسته‌جمعی شهرستان اهواز. پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۷۲-۱۴۷

محمدرضا شیخ طاهری سید احمد فیروزآبادی (۱۴۰۳) نزاع در ایران (سنخ شناسی، بستر و علل و عوامل غالب) مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران دوره ۱۳، شماره ۳.

زارعی و همکاران (۱۳۹۷) عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع و خشونت بین‌فردی در بین جوانان پسر ۳۰-۱۸ سال شهر همدان (مورد مطالعه: منطقه خضر و اسلام‌شهر همدان)، دانش انتظامی همدان سال پنجم تابستان شماره ۲ (پیاپی ۱۷)

مهدنژاد، حافظ؛ جوانمرد، محمد؛ بزرگوار، علیرضا؛ تمجیدی، زهرا (۱۳۹۹) تعیین کانون جرم خیز مرتبط با نزاع و درگیری (مورد مطالعه: شهر جدید هشتگرد) پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی، سال هشتم، شماره ۲۹.

میرفردی، اصغر؛ احمدی، سیروس؛ صادق نیا، آسیه (۱۳۹۱). میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن. مطالعات امنیت اجتماعی.

ناظری، مهرداد (۱۳۸۹) افت سرمایهٔ اجتماعی و گسترش نزاع‌های خیابانی، مجله گزارش، شماره ۲۱۶.

نایبی، هوشنگ؛ جسورخواجه، تقی (۱۳۸۸). ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: روستاهای کویچ و افشرد از توابع بخش خواجه در استان آذربایجان شرقی). توسعه محلی روستایی-شهری (توسعه روستایی).

نظری، جواد؛ امینی، عباس (۱۳۸۷). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع در مناطق روستایی استان ایلام، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۱

نیکدل، فریبرز؛ پیراسته مطلق، علی‌اکبر (۱۳۹۴). خشم صفت- حالت و شیوه‌های کنترل خشم و گرایش افراد به نزاع دسته‌جمعی. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی سال چهارم.

ویسی، ناصر؛ عبدی، علی (۱۴۰۰). مطالعه واکاوی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری پس از تصادفات رانندگی در شهر کرمانشاه. انتظام اجتماعی، ۲۴۴-۲۱۷.

هالندر، ادوین پل (۱۳۷۸). روان‌شناسی اجتماعی: رهبری و قدرت، تأثیرات ارتباط جمعی، افکار عمومی و فعالیت سیاسی. نشر آستان قدس رضوی.

الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۶). بررسی رابطهٔ احساس امنیت شهروندان تهرانی و منزلت اجتماعی پلیس تهران، فصلنامهٔ تخصصی دانشکده علوم مرزی و انتظامی، سال دوم، شماره اول.

References

Agnew, Robert (2009) why do individuals engage in crime, from key readings in criminology edited by Tim Newburn, Willan publishing

Brown, Stephen et al(1998)criminology: explaining crime and its context.inderson publishing co

Burfeind, W, James and Dawn Bartusch (2006) juvenile delinquency: an integrated approach, Janes and Bartlett publishers

Einstadter, Werner et al (2006) criminological theory: an analysis of its anderlying assumption.publishers.INC

Fraczek A. Violence and aggression in children and youth: a socio-psychological perspective. European Review. 1996;4(1):75-90. doi:10.1002/(SICI)1234-981X(199601)4:1<75::AID-EURO110>3.0.CO;2-8

Jacobs, A, Burce (2002) investing deviance: an anthology.Roxburg publishing company

Siegel, Larry (2017) criminology.Thamson-Wadsworth.

Smith, H. J., Pettigrew, T. F., Pippin, G. M., & Bialosiewicz, S. (2025). Group relative deprivation and violent radicalism: Moving toward an integrated model. Journal of Theoretical Social Psychology, 9(1), e8582798. https://doi.org/10.1002/jts5.8582798

Smith P Hayden. And Robert M. Bohm (2007) Beyond Anomie: Alienation and Crime. Springer Science+Business Media B.V

Taylor, S., & Fraser, G. (2023). Measuring socio-psychological drivers of extreme violence in online collective behavior. Journal of Policing, Intelligence and Counter Terrorism, 18(3), 243–260. https://doi.org/10.1080/18335330.2023.2246982